

راهکار رسیدن به نرخ سود بانکی تعادلی

سیدعباس موسویان*

چکیده

یکی از متغیرهای اساسی در فعالیت‌های بانکی، تصمیم‌گیری برای نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی است. مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تغییر نرخ‌های سود بانکی، روی حجم سپرده‌ها، ترکیب انواع سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، هر نوع تغییری چه در طرف کاهش یا افزایش نرخ‌ها باید با مطالعات دقیق کارشناسی و تشخیص جایگاه هر یک از متغیرهای کلان و میزان حساسیت آن‌ها درباره تغییرات نرخ سود بانکی باشد. مطالعه تاریخ بانکداری ایران نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، به وسیله بانک مرکزی و به صورت دستوری تعیین، و این باعث شده است در هیچ زمانی نرخ‌های بانکی ایران، نرخ‌های تعادلی بازار نباشد و همیشه براساس مصالح مقطعی تصمیم‌گیری شود. در این مقاله، بعد از گزارشی از آخرین مطالعات نظری و تجربی درباره ارتباط تغییرات نرخ‌های سود بانکی با متغیرهای کلان اقتصادی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تورم، توضیح داده می‌شود که گرچه بهترین شیوه برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی، آزادسازی نرخ‌های سود بانکی است، به دلیل وضعیت خاص اقتصادی ایران برای رسیدن به آن وضعیت از تعیین مقطعی روند نرخ‌های سود بانکی ناچار هستیم و این تعیین باید با هدف نزدیک شدن به وضعیت تعادلی باشد.

راهکار پیشنهادی مقاله برای نزدیک کردن نرخ‌های دستوری به «نرخ‌های تعادلی»، آن است که وضعیت کنونی نرخ‌های سود بانکی ایران (نرخ‌های سود سپرده‌ها، تسهیلات و حاشیه سود

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بانکی) با نرخ‌های متوسط چند کشور شاخص جهانی مقایسه شده و تغییرات نرخ‌ها در جهت دستیابی به آن نرخ‌ها باشد و برای این منظور، با مقایسه نرخ‌های ایران با متوسط نرخ‌های پنج کشور امریکا، فرانسه، کره، چین و بحرین نشان داده می‌شود که نرخ‌های سود واقعی سپرده‌های مدت‌دار ایران، نزدیک به نرخ متوسط جهانی است و هر نوع کاهش در آن‌ها باید پس از کاهش نرخ تورم و به اندازه کاهش نرخ تورم باشد و نشان داده می‌شود که نرخ‌های سود واقعی تسهیلات بانکی، گرچه در بخش‌های تولیدی (کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن) از متوسط جهانی کمتر است، بالا بودن نرخ سود بخش بازرگانی و خدمات به صورت بخش واسطه بین تولید و مصرف، روی سوددهی تولید اثر منفی می‌گذارد؛ بنابراین، لازم است نرخ سود تسهیلات اعطایی بخش‌های گوناگون به هم نزدیک شود و نرخ سود بخش بازرگانی و خدمات کاهش یابد و سرانجام نشان داده می‌شود که نرخ حاشیه سود بانکی در ایران بیش از ۵۰ درصد بیشتر از متوسط نرخ حاشیه سود بانکی جهانی است و بانکداری ایران باید با کارا کردن عملیات بانکی در کاهش هزینه‌ها بکوشد. مقاله در پایان، ماده واحده‌ای را جهت تصویب قانونی پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: بهره، سود بانکی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، نرخ سود سپرده، نرخ سود تسهیلات، حاشیه سود، سود اسمی و سود واقعی.

مقدمه

شکی نیست که بانک‌ها در جایگاه واسطه و جوه، نقش مهمی در تجهیز سرمایه‌های نقدی و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد دارند. بانک‌ها به کمک شعبه‌های گسترده و با استفاده از انواع سپرده‌های بانکی، وجوه مازاد بر نیاز خانوارها، شرکت‌ها و مؤسسه‌ها را گرد آورده، در اختیار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی قرار می‌دهند.

یکی از متغیرهای اساسی و حساس در فعالیت‌های بانکی، تصمیم‌گیری روی نرخ سودهای بانکی است. همان‌طور که تصمیم صحیح و منطقی در تغییر نرخ سود بانکی، بازار پول و سرمایه را در جهت حرکت به سمت اشتغال کامل به تعادل می‌رساند، تصمیم نادرست و غیرمنطقی، بازارها را مختل کرده، باعث رکود یا تورم یا رکود توأم با تورم می‌شود. پیچیدگی مسأله از آن ناشی می‌شود که به‌طور معمول هر تصمیم، روی تغییر نرخ سود بانکی، بازتاب‌های متفاوت و متقابل در دو طرف عرضه و تقاضای منابع بانک‌ها دارد.

مطالعه تاریخ بانکداری ایران نشان می‌دهد که چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، تعیین نرخ‌های سود بانکی (سپرده‌ها و تسهیلات) یا تعیین حداقل و حداکثر آن‌ها، به صورت دستوری و به وسیله شورای پول و اعتبار بوده است و بررسی تحلیلی نرخ‌های تعیین شده با توجه به متغیرهای کلان اقتصادی بیانگر آن است که تصمیم‌های شورای پول و اعتبار، نه برای رسیدن به نرخ تعادلی، بلکه بیشتر برای حل مشکلات مقطعی بوده است.

چندی است نرخ‌های سود بانکی به‌ویژه نرخ تسهیلات، موضوع بحث و گفت و گو میان صاحبان صنایع، فعالان اقتصادی، کارشناسان بانکی، استادان اقتصاد، دولت و نمایندگان مجلس واقع شده است و مواضع متفاوتی اتخاذ می‌شود. این مقاله در صدد است بدون تعصب روی موضوع خاصی، با ارائه بحثی نظری و گزارشی از وضعیت کنونی نرخ‌های سود بانکی در اقتصاد ایران، راهکاری برای رسیدن به نرخ‌های سود تعالی ارائه کند.

آثار اقتصادی تغییر سود بانکی

غالب مطالعات نظری و تجربی در عرصه بانکداری و تأثیر تغییرات بهره بانکی بر متغیرهای اقتصاد کلان درباره بانکداری ربوی است که در جانب سپرده‌ها و تسهیلات براساس قرض با بهره فعالیت می‌کنند و تصمیم‌دادن نتایج آن‌ها بر عملکرد بانک‌های بدون ربا که براساس معاملات اسلامی و سود بانکی فعالیت می‌کنند دقیق نخواهد بود؛ اما به دو جهت می‌توانیم از آن مطالعات در بحث خود استفاده کنیم.

نخست این که بخش مهمی از مطالعات درباره تأثیر تغییرات نرخ بهره بر پس‌انداز، سپرده‌گذاری و تورم با قطع نظر از شکل حقوقی «بهره» صورت می‌گیرد و منطق تحلیل‌ها فراتر از شکل خاص بهره یعنی بهره قرارداد قرض است و شامل هر دو نوع بانکداری ربوی و بدون ربا می‌شود.

دوم این که در بانکداری بدون ربا ایران، بیش از هفتاد درصد معاملات براساس عقود مبادله‌ای انجام می‌گیرد که نرخ‌های ثابت و معین دارند و سی درصد نیز گرچه به اسم، براساس عقود مشارکتی و با سودهای متغیر هستند، در عمل همانند عقود با سود ثابت رفتار می‌شود؛ در نتیجه تجزیه و تحلیل‌های مورد استفاده در بانکداری ربوی با قدری مسامحه قابل استفاده در بانکداری بدون ربا ایران نیز خواهد بود؛ به این جهت، در مطالب آینده، سود و بهره بانکی به هم عطف، و مترادف استعمال شده است.

به اعتقاد استادان اقتصاد، هر نوع کاهش یا افزایش نرخ‌های سود بانکی، آثاری در پی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تأثیر تغییرات سود بانکی بر پس‌انداز کل جامعه

به اعتقاد اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک، هر چه بهره بیشتر باشد، افراد برای پس‌انداز تمایل بیشتری می‌یابند؛ در نتیجه به نظر آنان پس‌انداز کل جامعه تابع مستقیم نرخ بهره است. کینز معتقد بود که پس‌انداز، به نرخ بهره بستگی ندارد. وی می‌گفت:

پس‌انداز بستگی به درآمد افراد دارد. افراد ثروتمند حتی اگر نرخ بهره صفر باشد، پس‌انداز خواهند داشت. طبقات متوسط نیز پس‌انداز خواهند کرد تا در آینده زندگی بهتری داشته باشند و طبقات کم‌درآمد به علت پایین بودن سطح درآمدشان حتی هنگامی که نرخ بهره بسیار بالا است، توانایی پس‌انداز را ندارند. کینز می‌گفت: بر خلاف اعتقاد کلاسیک‌ها، افزایش نرخ بهره چه بسا موجب کاهش پس‌انداز شود؛ زیرا با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری کاهش یافته و در نتیجه درآمد کاهش می‌یابد و این به نوبه خود موجب کاهش پس‌انداز کل می‌شود (گلریز و ماجدی، ۱۳۶۷: ص ۲۰۸). نظریه‌های بعد از کینز نیز در امر پس‌انداز بر عوامل دیگری غیر از تغییرات نرخ بهره متمرکز شده‌اند.

براساس نظریه «فرضیه دوره زندگی»، آندو مودگیلیانی، هر فرد در طول دوره زندگی، سه مقطع زمانی دارد. در سال‌های اولیه زندگی، وام‌گیرنده خالص است. در سال‌های میانی عمر، مقداری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کند تا بدهی‌های پیشین خود را بپردازد و مقداری هم به دوران پیری اختصاص می‌دهد و در سال‌های پایانی پس‌انداز منفی دارد. براساس این فرضیه، هدف از پس‌انداز، تامین زندگی به نسبت باثبات برای دوره زندگی است؛ بنابراین، هرگونه افزایش در درآمدهای جاری یا آینده، باعث کاهش پس‌انداز و افزایش مصرف فعلی می‌شود؛ بنابراین، افزایش نرخ بهره ممکن است پس‌انداز را کاهش دهد؛ چون فرد احساس می‌کند برای رسیدن به سطح معینی از دارایی در آینده به پس‌انداز کمتری نیاز دارد (برانسون، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۲۷).

براساس نظریه «درآمد دائم» فریدمن نیز که درآمدهای مقطعی و مستمر فرد را ملاحظه می‌کند، هر افزایش در نرخ بهره، درآمدهای ناشی از پس‌انداز فرد را افزایش داده، سبب بالارفتن مصرف فعلی و کاهش پس‌انداز خواهد شد (گلریز و ماجدی، همان: ص ۳۲۷ - ۳۳۴). برخی از اقتصاددانان معتقدند که رابطه پس‌انداز و نرخ بهره را نمی‌توان از طریق نظری و قیاسی به دست آورد و باید به مشاهدات تجربی مراجعه کرد. پیرو این عقیده، مطالعات تجربی متعددی در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه انجام گرفت؛ اما رابطه مطمئن و معناداری به

دست نیامد؛ برای مثال، مطالعات تجربی نشان می‌دهد مردم امریکا بدون توجه به نرخ بهره، درصد معینی از درآمدها را پس‌انداز می‌کنند. نتایج نظرسنجی‌ها روشن ساخت که بخش عمده‌ای از پس‌اندازکنندگان فرانسوی اطلاعی از نرخ بهره ندارند یا مطالعه دیگری نشان می‌دهد مردم ژاپن در نرخ بهره معینی بیشتر از مردم امریکا پس‌انداز می‌کنند (کمال محمد، ۱۴۱۴ق: ص ۶۷-۶۹).

سرانجام، مطالعات دقیق رابطه نرخ بهره و پس‌انداز نشان داد که افزایش نرخ بهره، دو اثر متفاوت درآمدی و جایگزینی دارد. اثر درآمدی باعث افزایش مصرف و اثر جایگزینی سبب کاهش مصرف می‌شود. بر حسب قدرت نسبی هر یک از این دو، سطح مصرف و پس‌انداز تعیین می‌شود؛ بنابراین، افزایش نرخ بهره می‌تواند باعث بالارفتن، ثابت ماندن و یا کاهش پس‌انداز شود. نتایج مشاهدات تجربی نیز در کشورهای گوناگون متفاوت است. در برخی کشورها بالارفتن نرخ بهره باعث افزایش پس‌انداز بوده؛ ولی در برخی دیگر، هیچ تأثیری نداشته است (نلی، ۱۳۷۶: ص ۹۹). نتیجه این می‌شود که نه از جهت نظری و نه از جهت مشاهدات تجربی نمی‌توان رابطه مستقیم و معناداری بین تغییرات نرخ بهره و سود بانکی با پس‌انداز کل جامعه اثبات کرد.

۲. تأثیر تغییرات سود بانکی بر سپرده‌ها

به‌طور معمول، سپرده‌های بانکی به سه گروه سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار تقسیم می‌شوند. هدف اصلی صاحبان سپرده جاری از سپرده‌گذاری در بانک، تسهیل مبادلات پولی و استفاده از بانک به‌صورت صندوق و حسابدار سریع و دقیق است و انگیزه اصلی صاحبان سپرده پس‌انداز، حفظ و نگهداری وجوه مازاد و برنامه‌ریزی برای هزینه‌های آینده و احتیاطی است. در غالب بانک‌های دنیا، به سپرده‌های جاری سود یا بهره‌ای پرداخت نمی‌شود و برای صاحبان پس‌انداز نیز در حد پایین بهره یا جایزه می‌پردازند؛ در نتیجه، تغییرات نرخ سود یا بهره بانکی روی سپرده‌های جاری هیچ تأثیری ندارد و روی سپرده‌های پس‌انداز نیز تأثیر چندانی نمی‌گذارد؛ اما سپرده‌گذاران مدت‌دار به قصد کسب درآمد و استفاده از سود و بهره بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند؛ در نتیجه، نرخ بازده بانک را با سایر نرخ‌های بازده موجود در اقتصاد مقایسه کرده، سپس تصمیم می‌گیرند.

امروزه عرصه‌های گوناگونی برای سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه‌های نقدی وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش سهام شرکت‌ها، ورود به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، خرید و فروش زمین، ساختمان، طلا، ارز، خرید و فروش احتکاری کالاهای ضروری، خرید کالاهای بادوام، ورود در بازار غیررسمی وام و تنزیل و دست‌آختر

خارج کردن سرمایه‌های نقدی از کشور و سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی از جمله آن‌ها است. اگر سود سپرده‌های مدت‌دار بانک‌ها با احتساب نرخ تورم، سود قابل قبولی برای صاحبان سپرده باشد، غالب افراد ریسک‌گریز و متعارف جامعه به سمت بانک‌ها می‌آیند و فقط افراد ریسک‌پذیر سراغ شرکت‌های سهامی و سرمایه‌گذاری می‌روند و زمینه فعالیت‌های احتکاری و غیرمولد و غیررسمی باقی نمی‌نماند؛ اما اگر نرخ سود بانک‌ها پایین باشد، به‌ویژه اگر کمتر از نرخ تورم باشد، بخش فراوانی از سپرده‌گذاران مدت‌دار به تناسب سرمایه و سلیقه شان عرصه‌های دیگری را می‌جویند. جدول شماره ۱ تغییرات سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار راطی ده سال گذشته در نظام بانکی ایران نشان می‌دهد. بررسی دو ستون آخر نشان می‌دهد به همان اندازه که نرخ سود واقعی سپرده‌های مدت‌دار بهبود یافته، سهم سپرده‌های مدت‌دار در مقایسه با کل سپرده‌ها افزایش یافته و به‌طور متوسط، رشد سالانه ۳۲ درصدی داشته؛ در حالی که رشد سپرده‌های جاری و پس‌انداز ۲۲ درصد بوده است (معاونت امور بانکی و وزارت اقتصاد، ۱۳۸۴: ص ۱۶).

جدول شماره (۱) سهم سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌ها (میلیارد ریال - درصد)

سال	سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (۱)	کل سپرده‌ها (۲)	نرخ سود سپرده‌های بلندمدت	نرخ تورم	سود واقعی	نسبت (۱) به (۲)
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۷۴۳۹۹/۲	۱۸/۵	۴۹/۴	-۳۰/۹	۳۸/۲
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۱۰۳۳۳۶/۵	۱۸/۵	۲۳/۲	-۴/۷	۳۴/۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۱۱۸۹۰۶/۱	۱۸/۵	۱۷/۳	+۱/۲	۳۹/۶
۱۳۷۷	۶۲۴۲۹/۱	۱۴۱۶۲۸/۴	۱۸/۵	۱۸/۱	+۰/۴	۴۴/۱
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲	۱۷۰۵۶۹/۹	۱۸/۵	۲۰/۱	-۱/۶	۴۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۲۲۳۹۵۲/۴	۱۸/۵	۱۲/۶	+۵/۹	۴۶/۲
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۲۹۱۷۶۸/۶	۱۷	۱۱/۴	+۵/۶	۴۸/۳
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۸۲۷۴۳/۹	۱۷	۱۵/۸	+۱/۲	۴۸/۶
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۴۸۷۸۱۳/۹	۱۷	۱۵/۶	+۱/۴	۵۱/۶
۱۳۸۳	۳۰۳۶۸۲/۸	۵۶۸۸۶۱/۶	۱۷	۱۵/۲	+۱/۸	۵۳/۴

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی، ترازنامه بانک مرکزی سال‌های مختلف.

نتیجه این می‌شود که حدود نیمی از سپرده‌ها که به حساب‌های جاری و پس‌انداز مربوط

است، در همه بانک‌ها به‌ویژه بانکداری ایران که سودی به آن‌ها پرداخت نمی‌شود متأثر از تغییرات نرخ سود بانکی (سود سپرده‌ها) نخواهد بود؛ اما نیم دیگر که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار مربوط می‌شود، متأثر از نرخ سود بانکی است و سپرده‌گذار در مقابل تغییرات سود واکنش نشان می‌دهد.

۳. تأثیر تغییرات سود بانکی بر سرمایه‌گذاری

یکی از مباحث مهم در علم اقتصاد، تأثیر نرخ بهره و سود بانکی بر تقاضای سرمایه‌گذاری است. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند: سرمایه‌گذاری، تابع معکوس نرخ بهره است. هرچه نرخ بهره کاهش یابد، در حقیقت هزینه سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت (تفضلی، ۱۳۶۶: صص ۲۵۸-۲۶۲). در مقابل، کینز معتقد است که سرمایه‌گذاری صرفاً تابع نرخ بهره نیست؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاران پیش‌بینی کنند که سود فراوانی به دست خواهند آورد، ممکن است حتی با نرخ بهره بالا نیز به اخذ وام و سرمایه‌گذاری اقدام کنند، چنان‌که اگر پیش‌بینی سود نداشته باشند، حتی در نرخ بهره‌های خیلی پایین هم به سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کنند. وی به همین دلیل، سرمایه‌گذاری را به پیش‌بینی‌های سودآوری مربوط می‌داند (گلریز و ماجدی، همان: صص ۲۰۸ و ۲۰۹).

نتایج تحقیقات تجربی سال‌های اخیر که بر روی سرمایه‌گذاری انجام گرفته نیز نشان می‌دهد تغییرات نرخ بهره در وضعیتی بر روی تقاضای سرمایه‌گذاری بی‌تأثیر، و در وضعی دیگر مؤثر است به این معنا که بنگاه اقتصادی، به نرخ بهره و تغییرات آن، به‌صورت یکی از اقلام هزینه نگاه می‌کند و تصمیم‌های خود را برای کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری نه براساس بهره، بلکه براساس سود انتظاری اتخاذ می‌کند. اگر بنگاه اقتصادی بتواند تغییرات نرخ بهره را که در تابع هزینه بنگاه منعکس می‌شود، از طریق افزایش قیمت محصول به مصرف‌کننده منتقل کرده و سود خود را افزایش داده یا در سطح پیشین حفظ کند، افزایش نرخ بهره تأثیری روی سرمایه‌گذاری نخواهد داشت؛ اما اگر اوضاع اقتصادی چنین اجازه‌ای را به وی ندهد و افزایش بهره و هزینه باعث کاهش سود شود، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد؛ به همین جهت، در وضعیت رونق اقتصادی، با وجود این‌که نرخ‌های بهره بالا است، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و برعکس در دوره‌های رکود با این‌که نرخ‌های بهره در پایین‌ترین سطح قرار دارند،

سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد؛ برای مثال، در سال‌های آخر دهه هفتاد با این‌که نرخ‌های بهره به بالاترین حد خود در تاریخ امریکا رسیده بود، اثر خاصی بر سرمایه‌گذاری نگذاشت (توتونچیان، ۱۳۷۵: ص ۳۷۲ و ۳۷۳)، و در مورد ایران به‌رغم ثابت‌بودن نرخ بهره در طول سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۹ و پایین‌بودن آن از نرخ تورم (نرخ بهره واقعی منفی) نظام بانکی با منابع مازاد قابل توجهی مواجه بوده است (کمیحانی، ۱۳۷۳: ص ۲۴).

نتیجه این می‌شود که مطالعات نظری و تجربی، رابطه ثابتی بین سرمایه‌گذاری و تغییرات نرخ بهره و سود بانکی، برای همه حالت‌ها ارائه نمی‌کند. در وضعیت رونق، سرمایه‌گذار، توان انتقال تغییرات نرخ بهره و سود بانکی به قیمت محصول را دارد. افزایش نرخ بهره تأثیری در سرمایه‌گذاری نخواهد داشت و در وضعیت رکودی و عادی اقتصادی که چنین توانی را ندارد، افزایش نرخ بهره باعث کاهش سود و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

حال که اقتصاد ایران، دوران گذر از اقتصاد تورمی به وضعیت عادی را می‌آزماید، به‌نظر می‌رسد سرمایه‌گذار و تولیدکننده توان تأثیرگذاری روی قیمت‌ها را ندارند؛ در نتیجه بالا بودن نرخ‌های سود بانکی، سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

۴. تاثیر تغییرات سود بانکی بر تورم

در مطالعات دقیق نظری در تبیین رابطه تغییرات نرخ بهره و سود بانکی با تورم، بین تورم ناشی از تقاضا و تورم هزینه فرق می‌گذارند. زمانی که اقتصاد در سطح بالایی از اشتغال قرار دارد، افزایش تقاضای کل به‌طور عام باعث بروز فشار تورمی می‌شود که در اصطلاح، به آن تورم تقاضا یا تورم ناشی از تقاضا می‌گویند. در این وضعیت هر نوع کاهش نرخ بهره بانکی باعث افزایش عرضه پول و افزایش تقاضای کل در جامعه شده، سطح عمومی قیمت‌ها را بالاتر خواهد برد. به این مناسبت در چنین وضعی سیاستگذاران بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره زمینه‌های کاهش عرضه پول و کاهش نرخ تورم را فراهم می‌آورند (گلیهی، بی‌تا: ص ۳۸۸ - ۳۹۳)؛ اما اگر منشا تورم، هزینه تولید باشد که خود علل گوناگونی می‌تواند داشته باشد مانند شرایط اشتغال ناقص به جهت انحصاری یا شبه انحصاری بودن بنگاه‌های تولیدی یا سهم بالای سرمایه در هزینه تولید بنگاه‌ها، در این صورت، مسأله متفاوت از وضعیت تورم تقاضا خواهد بود؛ به‌ویژه اگر تورم، از سهم بالای سرمایه در هزینه تولید ناشی باشد. روشن است که در چنین وضعی هر افزایش در نرخ بهره، هزینه

استفاده از تسهیلات بانکی را برای بنگاه‌ها و قیمت تمام‌شده محصول را افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، هر نوع سیاست انبساط پولی باعث کاهش نرخ بهره و هزینه تولید و قیمت تمام‌شده محصول و سرانجام سبب کاهش نرخ تورم خواهد بود؛ به همین سبب، اقتصاددانان سفارش می‌کنند پیش از تصمیم به سیاست پولی برای مبارزه با تورم، باید نوع تورم را تشخیص داد.

نتیجه این می‌شود که اگر تورم، از فشار تقاضا در اقتصاد ناشی باشد، رابطه تغییرات نرخ بهره با نرخ تورم رابطه معکوس است؛ به همین جهت، برای مبارزه با تورم از سیاست پولی انقباضی و افزایش نرخ بهره استفاده می‌کنند؛ اما اگر تورم ناشی از مشکلات ساختاری تولید و هزینه باشد به‌ویژه اگر از سهم بالای سرمایه در هزینه تولید سرچشمه بگیرد، رابطه تغییرات نرخ بهره با نرخ تورم، هم جهت است و هر نوع سیاست انقباضی و افزایش نرخ بهره باعث افزایش نرخ تورم و کاهش نرخ بهره، باعث کاهش نرخ تورم خواهد بود؛ بنابراین، شرط اصلی مبارزه با تورم تشخیص نوع آن است. به‌نظر می‌رسد با توجه به سپری شدن فشار تقاضا در اقتصاد ایران، لازم است روی ساختار تولید، و سهم عوامل تولید به‌ویژه سرمایه در هزینه تولید توجه شود.

راهکار رسیدن به نرخ‌های سود بانکی تعادلی

با روشن شدن تاثیر تغییرات نرخ سود بانکی بر متغیرهای اساسی چون پس‌انداز، سپرده بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم و این‌که این تاثیرها همیشه همسو و هم‌جهت نیست و در موارد فراوانی متقابل است، این پرسش مطرح می‌شود: نرخ تعادلی سود بانکی که بتواند سطح پس‌انداز، سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و تورم را در بهترین وضعیت ممکن قرار دهد، کدام است و به چه روشی می‌توان به آن رسید و به چه روشی می‌توان از آن محافظت کرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، دو راه‌حل به‌صورت گزینه اول که فرض بهترین وضعیت است و گزینه دوم که فرض عدم وجود برخی شرایط است، پیشنهاد می‌شود.

گزینه نخست: آزادسازی نرخ‌های سود بانکی برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی

غالب اقتصاددانان معتقدند که اگر وضعیت رقابت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی فراهم باشد و زمینه برای انواع انحصار، احتکار و تبانی نباشد، بهترین گزینه برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی، آزادکردن نرخ‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است تا در اثر فعالیت عوامل عرضه و تقاضا، قیمت‌ها در بهترین سطح به تعادل برسند.

از دیدگاه آموزه‌های اسلام نیز بهترین گزینه برای تعیین قیمت در وضعیت رقابت سالم

و در چارچوب شریعت، آزادسازی قیمت‌ها و تبعیت از قیمت بازار و عرضه و تقاضا است؛ به طوری که در برخی روایات وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست می‌شود کالاها را قیمت‌گذاری کنند، حضرت امتناع، و آن را مخالف خواست خدا معرفی می‌کند. (ری شهری، ۱۳۸۰: ص ۱۸۲).

در صنعت بانکداری نیز اگر وضعیت رقابت فراهم باشد، بهترین گزینه آزاد گذاشتن بانک‌ها در تعیین سود سپرده‌ها و سود تسهیلات است؛ اما در موقعیت کنونی که اولاً بیش از ۹۵ درصد فعالیت‌های بانکی در اختیار بانک‌های دولتی است و دولت بر اساس مصالح خاصی تصمیم می‌گیرد و در مواردی که مصحلت می‌بیند انواع تسهیلات تکلیفی با نرخ‌های معین بر عهده بانک‌ها می‌گذارد، زمینه برای رقابت وجود ندارد. ثانیاً پیشینه صنعت بانکداری ایران نشان می‌دهد که چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، حتی در بانک‌های خصوصی، دامنه سود و بهره بانکی به وسیله بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تعیین شده است؛ در نتیجه، آزاد سازی دفعی بانک‌ها، سبب بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بر این اساس تا فراهم شدن وضعیت رقابت نمی‌توان به گزینه نخست عمل کرد.

گزینه دوم: هدایت نرخ‌ها به سمت تسهیلات تعادلی

حال که تا تحقق وضعیت رقابت نمی‌توان از طریق آزاد سازی نرخ‌ها به نرخ‌های تعادلی رسید و به ناچار باید نرخ‌ها به صورت دستوری تعیین شود، باید با راهکاری به تدریج به سمت نرخ‌های تعادلی حرکت، و در حد امکان، نزدیک‌ترین نرخ به نرخ تعادلی را تعیین کرد؛ به طوری که وقتی موقعیت برای آزادسازی نرخ‌ها فراهم شود، نرخ‌ها با کمترین نوسان در نرخ تعادلی واقعی مستقر شوند.

برای این منظور، پیشنهاد می‌شود در گام نخست نرخ‌های بانکی ایران اعم از نرخ‌های سپرده‌ها، نرخ‌های تسهیلات و حاشیه سود بانکی (Spread) به نرخ‌های بین‌المللی به‌ویژه نرخ‌های کشورهای که بانکداری رقابتی داشته و احتمال نقل و انتقال سرمایه از ایران به آن کشورها وجود دارد، نزدیک شود. برای رسیدن به این هدف، نیازمند مقایسه نرخ‌های سود

بانکی ایران با سایر کشورها هستیم تا داوری درستی برای پیشنهاد کاهش یا افزایش داشته باشیم و چون امکان مقایسه با همه کشورها نیست، آمار و اطلاعات پنج کشور امریکا، فرانسه، کره، چین و بحرین هرکدام به دلیل خاصی، در جایگاه پنج کشور شاخص انتخاب و آمارهای ایران با آنها مقایسه شده است.

مقایسه سود سپرده‌های بانکی ایران با نرخ‌های متوسط چند کشور شاخص جهان

۸۵

اقتصاد اسلام

راهکار رسیدن به نرخ سود بانکی تعادلی

از آنجا که نرخ تورم در کشورهای گوناگون در سال‌های مختلف، متفاوت است، مقایسه نرخ‌های بهره و سود اسمی سپرده‌ها ممکن نیست. بر این اساس لازم است مقایسه میان نرخ‌های واقعی (بعد از کسر نرخ تورم) صورت گیرد. مطالعه آمارهای رسمی نشان می‌دهد نظام بانکی ایران برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ (پیش از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا) به طور متوسط به ترتیب ۷/۰۷ و ۸/۷۳ درصد بهره اسمی پرداخته، و در این سال‌ها متوسط نرخ تورم ۱۴/۷۷ درصد بوده است؛ یعنی در حقیقت، نظام بانکی در این فاصله زمانی به ترتیب برای سپرده‌های مذکور ۷/۷ و ۶/۰۴ بهره واقعی منفی (ضرر) پرداخته است (موسویان، ۱۳۸۳: ص ۱۹۸). بعد از اجرای بانکداری بدون ربا، در فاصله زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ نظام بانکی برای سپرده‌های کوتاه‌مدت به طور متوسط ۷/۱۶ درصد، و برای سپرده‌های بلند مدت ۱۴/۲۶ درصد سود اسمی پرداخته است؛ در حالی که در این سال‌ها، نرخ تورم به طور متوسط ۲۱/۷۶ درصد، و در واقع در این فاصله زمانی نرخ سود واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت ۱۴/۶- و سپرده‌های بلندمدت ۷/۵- درصد بوده است (موسویان، همان: ص ۱۹۹).

با کنترل و کاهش تدریجی تورم از سال ۱۳۷۹ به بعد، سود پرداختی واقعی به سپرده‌گذاران تا حدودی بهتر شد. به طوری که در جدول شماره ۲ آمده، متوسط سود منفی برای سپرده‌های بلندمدت، به سود مثبت تبدیل شد.

جدول شماره (۲) نرخ‌های سود اسمی و واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ایران (درصد)

سال	نرخ سود اسمی کوتاه‌مدت	نرخ سود اسمی بلندمدت	نرخ تورم	نرخ سود واقعی کوتاه‌مدت	نرخ سود واقعی بلندمدت
۱۳۷۹	۸	۱۸/۵	۱۲/۶	-۴/۶	۵/۹
۱۳۸۰	۷	۱۷	۱۱/۴	-۴/۴	۵/۶
۱۳۸۱	۷	۱۷	۱۵/۸	-۸/۸	۱/۲
۱۳۸۲	۷	۱۷	۱۵/۶	-۸/۶	۱/۴
۱۳۸۳	۷	۱۷	۱۵/۲	-۷/۸	۱/۸
میانگین	۷/۲	۱۷/۳	۱۴/۱۲	-۶/۹۲	۳/۱۸

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف.

جدول شماره (۳) نرخ‌های بهره اسمی و واقعی سپرده‌های بانکی در چند کشور شاخص (درصد)

کشور	۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲		
	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی
آمریکا	۵/۳۳	۲/۳	۳/۰۳	۶/۵	۳/۴	۳/۱	۳/۷	۸/۲	۰/۹	۱/۷۳	۱/۵	۰/۲
فرانسه	۲/۶	۰/۵	۲/۲	۲/۶	۱/۷	۰/۹	۳	۱/۷	۱/۳	۱/۹	۱/۱	۳
کره	۷/۹	۰/۸	۷/۱	۷/۹	۲/۳	۵/۶	۵/۸	۴	۱/۸	۲/۸	۲/۸	۴/۹
چین	۲/۳	-۱/۴	۳/۷	۲/۳	۰/۲	۲	۲/۳	۰/۵	۱/۸	۰/۸	۲/۸	۲
بحرین	۴/۸	-۱/۴	۶/۲	۵/۸	-۰/۷	۶/۵	۲/۷	۰/۲	۲/۵	۱/۳	۱/۲	۰/۱
میانگین بهره واقعی	۴/۴۵		۳/۶۲			۱/۶۶			۱/۲۶			

مأخذ: International Financial Statistics

اگر متوسط نرخ بهره واقعی پنج کشور در چهار سال مذکور را به دست آوریم، به رقم ۲/۷۵ درصد می‌رسیم. مقایسه نرخ سود واقعی سپرده‌های بلندمدت پنجساله بانک‌های ایران با نرخ بهره واقعی پنج کشور شاخص، نشان می‌دهد که نرخ سود سپرده‌های پنجساله بانک‌های ایران گرچه تا سال ۱۳۷۹ به‌طور متوسط منفی بوده، از آن سال به بعد رشد خوبی کرده و اکنون به نرخ متوسط پنج کشور شاخص رسیده و حدود ۰/۵ درصد هم از آن پیش افتاده است و به‌طور قطع، همین بهبود، باعث رشد سریع سپرده‌های مدت‌دار در پنج سال گذشته از رقم ۱۰۳۹۰۴ میلیارد ریال به ۳۱۷۵۳۰ میلیارد ریال شده است که نشان‌دهنده رشد بیش از ۳۰۰ درصدی در پنج سال و رشد متوسط سالانه ۳۲ درصدی است (معاونت امور بانکی وزارت اقتصاد، همان)؛ البته سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت چنان‌که گذشت، همچنان با فاصله بسیاری منفی است که باید به آن‌ها توجه شود.

با توجه به مقایسه نرخ سود سپرده‌های بلندمدت نظام بانکی ایران در پنج سال گذشته با متوسط نرخ بهره بانک‌های شاخص، به‌نظر می‌رسد وضعیت فعلی نرخ‌های سپرده‌های بلندمدت وضعیت مناسبی است و هر نوع کاهش در آن‌ها (با فرض ثابت ماندن نرخ تورم حدود ۱۵ درصد) سبب نگرانی سپرده‌گذاران و توقف رشد یا کاهش سپرده‌های مدت‌دار خواهد شد. اگر سیاست تثبیت قیمت‌ها موفق شود و نرخ تورم برای سال‌های ۱۳۸۴ و بعد از آن کاهش یابد می‌توان به اندازه کاهش نرخ تورم، از نرخ سود اسمی سپرده‌های بلندمدت کاست. بر این اساس، طرح پیشنهادی مجلس* که کاهش نرخ سود سپرده‌ها را تا ۱۸ ماه از اجرای طرح، مسکوت گذاشته، فی‌نفسه منطقی و حساب شده است و پیشنهاد کاهش ۴ درصدی سود سپرده‌ها در ۱۸ ماه دوم اجرای طرح در صورتی موجه خواهد بود که تا آن زمان، تورم، کاهش یافته یا نشانه‌های کاهش آن مشهود باشد.

* این طرح در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ با عنوان طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازده بخش‌های گوناگون اقتصادی با تأکید بر نظام بانکداری اسلامی، به‌وسیله تعدادی از نمایندگان به مجلس ارائه، و یک فوریت آن تصویب شد و قرار است جزئیات آن در آینده بحث شود.

مطابق ماده واحده طرح، دولت موظف است طی دوره زمانی ۱۸ ماهه از تاریخ تصویب، درباره کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی اقدام کند؛ به‌گونه‌ای که در خاتمه مدت، ۴/۵ درصد از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود. مطابق تبصره ۲ طرح نیز دولت موظف است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام بانکی به‌گونه‌ای اقدام کند که برای ۱۸ ماهه دوم پس از اجرای ماده واحده، امکان کاهش نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده به‌طور متوسط تا ۴ درصد فراهم شود.

مقایسه سود تسهیلات بانکی ایران با نرخ‌های تسهیلات کشورهای شاخص

برای داوری درباره کاهش یا افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران نیز مناسب است بین آن‌ها و نرخ بهره تسهیلات کشورهای شاخص مقایسه کنیم. قبل از مقایسه نرخ‌ها، تذکر این نکته لازم است که در ایران، شورای پول و اعتبار برای بخش‌های گوناگون اقتصادی، نرخ‌های سود متفاوتی تعیین می‌کند؛ در حالی که در غالب کشورهای، نرخ بهره بانکی برای بخش‌های مختلف یکسان است، در نتیجه برای داوری درست از مقایسه نرخ هر یک از بخش‌های ایران با نرخ کشورهای شاخص ناچار هستیم.

جدول شماره (۴) نرخ سود تسهیلات بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی (درصد)

سال	نرخ تورم	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن	بازرگانی و خدمات	صادرات
۱۳۷۹	۱۲/۶	۱۶-۱۳	۱۹-۱۷	۱۶-۱۵	۲۵-۲۲	۱۸
۱۳۸۰	۱۱/۴	۱۵-۱۴	۱۸-۱۶	۱۶-۱۵	حداقل ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۵/۸	۱۴-۱۳	۱۷-۱۵	۱۵-۱۴	حداقل ۲۳	۱۷
۱۳۸۲	۱۵/۶	۱۳/۵	۱۶	۱۵	حداقل ۲۱	۱۵
۱۳۸۳	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۵	۱۵	حداقل ۲۱	۱۴
میانگین	۱۴/۱۲	۱۳/۷	۱۶/۴	۱۵/۱	۲۲/۱	۱۶/۴
متوسط سود واقعی	---	-۰/۳۴	۲/۳۶	۱/۰۶	۸/۰۶	۲/۳۶

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سال‌های مختلف.

بررسی ارقام سطر آخر جدول شماره ۴ که نرخ سود متوسط واقعی بخش‌های گوناگون اقتصادی طی پنج سال گذشته را نشان می‌دهد، گویای آن است که نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی در بیشتر سال‌ها و همین‌طور متوسط پنج‌سال آن زیر نرخ تورم بوده، و این بدان معنا است که نظام بانکی، پیوسته به این بخش، یارانه داده است. بعد از بخش کشاورزی، بخش مسکن با متوسط ۱/۰۶ سود متوسط واقعی، ارزان‌ترین تسهیلات را داشته؛ سپس بخش صنعت و معدن و صادرات نرخ سود معتدلی را پرداخته، و بخش خدمات و بازرگانی با ۸/۰۶ درصد گران‌ترین تسهیلات بانکی را به خود اختصاص داده است. جدول شماره (۵)، نرخ بهره تسهیلات بانکی کشورهای شاخص را نشان می‌دهد که مقایسه نرخ‌های ایران با آن‌ها معنادار است.

جدول شماره (۵) نرخ بهره اسمی و واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص (درصد)

کشور	سال			۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲		
	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی
آمریکا	۸	۲/۳	۵/۷	۹/۲	۳/۴	۵/۸	۷	۳/۴	۴/۸	۷	۳/۴	۴/۸	۴/۷	۱/۵	۳/۲
فرانسه	۶/۴	۰/۵	۵/۹	۶/۷	۱/۷	۵	۷	۱/۷	۵/۳	۷	۱/۷	۵/۳	۶/۶	۱/۹	۴/۷
کره	۹/۶	۰/۸	۸/۶	۸/۵	۲/۳	۶/۲	۷/۷	۴	۳/۷	۴	۷/۷	۳/۷	۶/۸	۲/۸	۴
چین	۵/۹	-۱/۴	۷/۳	۵/۹	۰/۳	۵/۶	۵/۹	۰/۵	۵/۴	۵/۹	۰/۵	۵/۴	۵/۳	-۰/۸	۶/۱
بحرین	۱۱/۹	-۱/۴	۱۳/۳	۱۱/۷	-۰/۷	۱۲/۴	۱۰/۸	۰/۲	۱۰/۶	۱۰/۸	۰/۲	۱۰/۶	۸/۵	۱/۲	۷/۳
میانگین بهره واقعی	۸/۱۶			۷			۵/۹۶			۵/۹۶			۵/۰۶		

مأخذ: international financial statistics

مقایسه نرخ متوسط بهره واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص طی چهار سال که حدود ۶/۵۴ درصد است با نرخ متوسط سود واقعی تسهیلات بانکی برای بخش‌های پنجگانه ایران نشان می‌دهد که فقط نرخ سود واقعی بخش بازرگانی و خدمات از نرخ سود متوسط کشورهای شاخص بیشتر است؛ اما نرخ‌های سود واقعی بخش‌های دیگر نه تنها در مقایسه با نرخ متوسط کشورهای شاخص کمتر است، بلکه در هیچ سالی به اندازه سود واقعی هیچ یک از کشورهای مذکور نمی‌رسد؛ یعنی بالاترین نرخ سود واقعی در بخش‌های تولیدی در ایران ۲/۳۶ درصد برای بخش صنعت و معدن پایین‌تر از پایین‌ترین نرخ بهره واقعی برای پنج کشور شاخص یعنی ۳/۲ است و این بدان معنا است که بخش‌های تولیدی ایران (کشاورزی، صنعت، معدن، و مسکن) در مقایسه با نرخ‌های کشورهای شاخص، پایین‌تر قرار دارد و همین باعث شده که هیچ تولیدکننده خصوصی در ایران با امکان دریافت تسهیلات از نظام بانکی داخلی سراغ بانک‌های خارجی نرود؛ در حالی که پیش از انقلاب، برخی از صنایع معروف ایران، بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق استقراض از بانک‌های خارجی تامین می‌کردند. گرچه نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی برای بخش‌های تولیدی ایران در وضعیت کنونی به

نسبت مناسب است، بالا بودن نرخ‌های سود واقعی تسهیلات در بخش بازرگانی و خدمات به‌طور غیرمستقیم روی بخش‌های واقعی تأثیر منفی می‌گذارد. بالا بودن نرخ‌های سود تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات به‌طور معمول چنین توجیه می‌شود که نرخ‌های بالای تسهیلات در آن بخش، سود آن بخش را در بخش‌های تولیدی کاهش می‌دهد؛ در نتیجه مانع انتقال سرمایه از بخش‌های تولیدی به آن بخش می‌شود. این نکته گرچه در جای خود صحیح و قابل مطالعه است، از سوی دیگر بالا بودن هزینه واقعی استفاده از تسهیلات در بخش‌های بازرگانی و خدمات که در حقیقت بخش‌های واسطه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده هستند، سود تاجر و خدماتی را تهدید می‌کند و او مجبور می‌شود فشار هزینه را به تولیدکننده یا مصرف‌کننده منتقل کند. در صورت اول، باعث کاهش سود تولیدکننده می‌شود و در مواردی او را با ضرر مواجه می‌سازد و در صورت دوم، قیمت نهایی را برای مصرف‌کننده افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، کالای داخلی در مقایسه با کالای وارداتی، قیمت نسبی بالاتری می‌یابد و روشن است که هر دو صورت به ضرر بخش تولیدی اقتصاد ایران است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا رسیدن به وضعیتی که بتوان نرخ‌های سود را برای بانک‌ها در بخش‌های گوناگون آزاد کرد و تا زمانی که احساس می‌شود به حمایت خاص از بخش‌های تولیدی نیاز است، متوسط نرخ‌های سود واقعی تسهیلات برای بخش‌های اقتصادی به شرح ذیل باشد.

بخش کشاورزی ۱ درصد، مسکن ۱/۵ درصد، صنعت و معدن ۲ درصد، صادرات ۲/۵ درصد و بخش بازرگانی و خدمات ۵ درصد.

کاهش اساسی نرخ سود تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات و کم کردن فاصله آن با نرخ سود سایر بخش‌ها باعث می‌شود که اولاً بخش بازرگانی و خدمات، تأثیر منفی روی بخش‌های تولیدی نداشته باشد. ثانیاً جلو آن گروه از تسهیلاتی که از راه‌های خلاف به اسم بخش‌های کشاورزی، صنعت، مسکن و صادرات گرفته می‌شود اما در بخش‌های بازرگانی به کار می‌رود، گرفته شود.

مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی (spread) در ایران با کشورهای شاخص

یکی از محورهایی که می‌توان با مطالعه آن، میزان کارایی نظام بانکی یک کشور را به دست آورد، نرخ‌های حاشیه سود بانکی یا تفاوت میانگین موزون نرخ سود سپرده‌ها با میانگین موزون نرخ سود تسهیلات بانکی است که در اصطلاح بانکی به آن «spread» می‌گویند. جدول ذیل این نرخ‌ها را برای کشورهای شاخص و ایران نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶) نرخ‌های حاشیه سود بانکی (spread) در ایران و برخی کشورهای جهان (درصد)

کشور	سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	میانگین
آمریکا		۲/۶۶	۲/۷	۲/۳	۲/۹۷	۶/۹	۲/۷
فرانسه		۳/۷	۴/۱	۴	۳/۶	۳/۹	۳/۸۶
کره		۱/۵	۰/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۵۶
چین		۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۳	۳/۳	۳/۴۸
بحرین		۷/۱	۵/۹	۸/۱	۷/۲	-----	۷
میانگین		۳/۷	۳/۳۸	۳/۹۸	۳/۹	۳	۳/۷۲
ایران		۴/۳	۴/۹	۴/۴	۴/۹	۴/۵	۴/۸

مأخذ: منبع جدول سابق و اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی دایره پولی و بانکی، بانک مرکزی مهرماه ۱۳۸۳.

مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران با کشورهای شاخص نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مورد مطالعه، نرخ‌های ایران بالاتر از متوسط کشورهای شاخص است؛ چنان‌که متوسط پنج سال ایران نیز در حدود ۱/۱ درصد بیشتر از نرخ متوسط پنج سال گذشته برای کشورهای شاخص است و این در حالی است که کشور بحرین با نرخ‌های بسیار بالای خود، میانگین را بالاتر نشان می‌دهد؛ به طوری که بدون احتساب بحرین نرخ متوسط حاشیه سود بانکی کشورهای پیشین حدود ۲/۹ درصد است و فاصله نرخ‌های ایران با آن‌ها در حد ۱/۹ درصد یعنی بیش از ۵۰ درصد است؛ بنابراین، نظام بانکی ایران می‌تواند با مطالعات کارشناسی و کاستن از هزینه‌های اداری، سرمایه‌ای و عملیاتی و کارا کردن فعالیت‌های بانکی، به تدریج از حاشیه سود خود کاسته، به نرخ‌های جهانی نزدیک شود.

نتایج و پیشنهادها

۱. با توجه به تأثیر تغییرات سود بانکی (سود سپرده‌ها و تسهیلات) بر متغیرهای مهمی چون سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم، هر نوع تغییری باید با مطالعات کارشناسی دقیق و به دور از فضای احساسی باشد.

۲. سپرده‌های جاری و پس‌انداز نظام بانکی ایران که حدود ۵۰ درصد سپرده‌ها را تشکیل می‌دهند، تابع نرخ‌های سود بانکی نیستند؛ اما سپرده‌های مدت‌دار تابع مستقیم سود سپرده‌ها هستند و نرخ‌های سود واقعی سپرده‌ها در سال‌های اخیر در حدی است که هر نوع کاهشی در آن‌ها بدون کاهش نرخ تورم، باعث خروج بخشی از آن‌ها از نظام بانکی می‌شود؛ در نتیجه طرح کاهش سود بانکی باید با فاصله زمانی معناداری، متقاضی کاهش سود سپرده‌ها باشد.

۳. گرچه نرخ واقعی تسهیلات بانکی ایران برای بخش‌های تولیدی (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) به‌طور متوسط کمتر از نرخ‌های جهانی و فی‌نفسه قابل قبول است، بالا بودن نرخ سود واقعی تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات که بخش واسطه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است، باعث اختلال در بخش‌های تولیدی نیز می‌شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود نرخ‌های تسهیلات بانکی، بازنگاری کارشناسی، و در عین کاستن از نرخ‌های بخش بازرگانی، فاصله بخش‌ها نیز کم شود.

۴. مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران (spread) با نرخ‌های جهان نشان می‌دهد که حاشیه سود بانکی در ایران (طبق محاسبه خود بانک مرکزی) بیش از ۵۰ درصد از نرخ‌های جهانی بیشتر است. لازم است با یافتن راهکارهای درست از هزینه‌های گوناگون بانکی کاسته، حاشیه سود را به نرخ‌های جهان برساند.

۵. همه تصمیم‌ها و تغییرها باید با هدف رسیدن به نرخ‌های تعادلی و وضعیتی که بتوان نرخ‌ها را آزاد کرد، صورت گیرد؛ زیرا فقط در آن صورت است که زمینه‌های فساد و رانت خواری برچیده می‌شود و به نرخ‌های تعادلی پایدارتر می‌رسیم.

طرح پیشنهادی برای تصویب قانون

با توجه به وضعیت اقتصادی ایران و نگرانی‌های گوناگونی که وجود دارد و با توجه به نتایجی که در مقاله به آن رسیدیم، ماده واحده ذیل برای طرح در مراکز قانون‌گذاری پیشنهاد می‌شود.

ماده واحده: دولت موظف است طی دوره زمانی چهارساله از تاریخ تصویب این قانون، هر شش ماه یک بار، برای کاهش نرخ سود تسهیلات به اندازه ۱ درصد اقدام کند؛ به گونه‌ای که در پایان مدت ۸ درصد از نرخ سود متوسط تسهیلات کاسته شود.

تبصره: دولت موظف است با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری نظام بانکی و کاهش تدریجی نرخ تورم از شش ماهه سوم تصویب این قانون، هر شش ماه یک بار ۱ درصد نرخ سود سپرده‌های بانکی را کاهش دهد؛ به گونه‌ای که در خاتمه ۶ درصد از نرخ سود متوسط سپرده‌ها کاسته شود.

تفاوت این طرح با طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس در آن است که مطابق این طرح کاهش نرخ سود تسهیلات و به دنبال آن کاهش سود سپرده‌ها به صورت زمان بندی مشخص هر شش ماه یک درصد است و این باعث می‌شود که اولاً سپرده‌گذاران برای دست‌یابی به سودهای بالاتر در نخستین فرصت سپرده‌گذاری کنند (عملیات سپرده‌گذاری را جلو می‌اندازد). ثانیاً گیرندگان تسهیلات برای برخورداری از تخفیف بیشتر تا جایی که می‌توانند تقاضای خود را به تعویق می‌اندازند و این باعث می‌شود نگرانی کاهش منابع بانکی و افزایش تقاضای تسهیلات برطرف شود.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
۲. برانسون، ویلیام اچ، اقتصاد کلان، عباس شاکری، تهران، نشرنی، ۱۳۷۳ش.
۳. تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ش.
۴. توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵ش.
۵. کمیجانی، اکبر، سیاست‌های پولی مناسب، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۲ش.
۶. گلریز، حسن و ماجدی، علی، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، تهران، موسسه‌های بانکداری ایران، ۱۳۶۷ش.
۷. گلیهی، فرد، اقتصاد کلان، مهدی تقوی، تهران، انتشارات ترمه، سوم، بی تا.
۸. معاونت امور بانکی و وزارت امور اقتصاد و دارایی، نقش و عملکرد نظام بانکی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۴ش.
۹. موسویان، سیدعباس، بانکداری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۳ش.
۱۰. نیلی، مسعود، اقتصاد ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهشی در برنامه‌ریزی در توسعه، ۱۳۷۶ش.

ب. عربی

۱. ری شهری، محمد، التنمية الاقتصادية، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
۲. صدر، محمدباقر، البنك اللاریبی فی الاسلام، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق.
۳. کمال محمد، یوسف، فقه الاقتصاد التقدی، قاهره، دار الهدایه، ۱۴۱۴ق.

ج. انگلیسی